

اصل نوزدهم

هر کس در زندگی باید جایگاه مناسب خود را داشته باشد. پدر، مادر و معلم پیوسته باید از جایگاه برتری نسبت به فرزند برخوردار باشند و فرزند نیز باید این نکته را به خوبی باور داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

این جهان به گونه‌ای خلق شده که در آن سلسله مراتبی حاکم است. همه اشیا و موجودات هم ردیف هم نیستند. هر یک از موجودات به جهات مختلف از دسته‌ای از موجودات برتر و بالاتر است و از دسته‌ای دیگر پایین‌تر. وجود رتبه و جایگاه یکی از مختصات موجودات است.

خداوند تبارک و تعالی به لحاظ وجودی در عالی‌ترین مرتبه قرار گرفته و عالم ماده در پایین‌ترین رتبه؛ و همین عالم است که

اصول تربیت

دکتر علی اصغر احمدی

اسفل السافلین نامیده می‌شود.

گیاهان نسبت به عالم ماده از رتبه بالاتری برخوردارند، حیوانات نسبت به گیاهان دارای رتبه بالاتری هستند و انسان نسبت به حیوان دارای رتبه و جایگاه برتری است. مراتب بالاتر از انسان نیز وجود دارد که رسیدن به آن مراتب برای آدمی امکان‌پذیر است. اگر انسان مراتب پایین را طی کند می‌تواند به تدریج به مراتب بالاتر کمال دسترسی پیدا کند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که عالم انسانی، تنها دارای یک مرتبه واحد نیست، بلکه انسان می‌تواند در مراتب گوناگون قرار گیرد، از پایین‌ترین مراتب تا عالی‌ترین آن‌ها. مراتب انسانی را کسی نمی‌داند جز خدا و آنان که متصل به علم اویند.

وجود سلسله مراتب در عالم هستی و عالم انسانی، واقعیتی است بس مهم که باید در تربیت فرزند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. تربیت باید این نکته را به خوبی منعکس کند که هر کس دارای جایگاه و مرتبه‌ای است. ضمن توجه و شناخت این مرتبه، انسان باید در جهت رسیدن به مراتب بالاتر تلاش کند و ابزار بزرگی و تعالی را فراهم آورد. مربی باید ضمن توجه به این تعالی برای خودش، زمینه لازم برای تعالی جوی‌های مرتبی را نیز مهیا کند. به عبارت دیگر تربیت باید وجود سلسله مراتب در عالم انسانی و عالم هستی را به خوبی به مرتبی منتقل کند و به او بفهماند که باید در این سلسله مراتب، ضمن شناخت جایگاه امروز خود، برای رسیدن به جایگاه‌های بالاتر کوشش کند. کسانی که با برداشت نادرست از تربیت، فرزند خود را برتر از خود در نظر می‌گیرند و با او چنان رفتار می‌کنند که گویی خدمتگزاری به

ارباب خویش خدمت می‌کند، به یکی از بنیادهای مهم تربیت آسیب می‌زنند، و این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد. اولیا، ضمن حفظ حرمت کودک یا نوجوان، نباید کاری کنند که او فکر کند مربیانش موظف به خدمت به وی هستند و اگر در این راه کوتاهی کنند، باید مواخذه شوند. نباید چنین انتظار و توقعی در مربی ایجاد کرد. مربی باید بداند که مربی وی پیوسته از مرتبه‌ای رفیع‌تر از او برخوردار است؛ حتی اگر در موضوع تربیت، مربی بر مربی خویش پیشی بگیرد. برای مثال اگر فردی تحصیل کند و به مراتب بالای علمی برسد، همواره باید بداند که معلمان او، حتی معلم کلاس اول، نسبت به او از رتبه و مرتبت بالاتری برخوردارند و این همیشگی است و تا آن‌ها در این دنیا به سر می‌برند، این برتری باید حفظ و رعایت شود. اگر انسان علامه دهر شود، باید در مقابل معلمان خود، تواضع و کرنش داشته باشد و گردن‌فرازی نکند. انسان اگر قوی‌ترین و تواناترین افراد باشد، در مقابل والدین خویش، هر چند که ضعیف و ناتوان باشند، باید متواضع باشد؛ خود را در مقابل آنان خوار و ناتوان ببیند و هرگز در مقابل آنان گردن‌فرازی نکند.

این نکات نشانگر این است که انسان علاوه بر توجه به سلسله مراتبی که در عالم هستی وجود دارد، باید بداند که در سلسله مراتب تربیت نیز پیوسته در برابر پیشگامان خود کرنش کند و بداند که آنان همواره پیشگامند و مقدم، و او هر قدر هم رشد کند نمی‌تواند این تقدّم را بر هم زند. پدر و مادر بیسواد یک فرد دانشمند، مقدم بر اویند، هر چند که توان خواندن و نوشتن نداشته باشند. معلم یک قهرمان ورزشی مقدم بر اوست، حتی اگر توان سرپا ایستادن

انسان‌ها را در مراتب مختلف قرار دهد عبارتند از: ابویت، عقل، تقوا، علم و تعلیم. علاوه بر این‌ها ملاک‌های دیگری برای تفضیل هر فرد نسبت به دیگری وجود دارد، لکن ملاک‌های فوق در عالم انسانی اصلی‌تر و بنیادی‌ترند. مال، قدرت بدنی، زیبایی، هنر، هوش، نسب، مهارت و... همگی ملاک‌هایی هستند که می‌توانند فردی را نسبت به دیگری در رتبه‌ای بالاتر و یا پایین‌تر قرار دهند. لکن این ملاک‌ها خود در رتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرند و نمی‌توانند ملاک‌های مرتبه اول را حذف و یا کم‌رنگ کنند.

الف) ابویت: ابویت یعنی رابطه‌ای که بین فرزند و والدین او وجود دارد. این رابطه در دیدگاه اسلامی و انسانی فی‌نفسه موجب تفضیل والدین نسبت به فرزند می‌شود. این مطلب از دیدگاه اسلامی چنان واضح و مبرهن است که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای برای کسی باقی

نداشته باشد. بنابراین حیا که ملازم عقل است، اقتضا می‌کند این سلسله مراتب حفظ شود. انسان با حیا، هرگز بر مرییان خویش پیشی نمی‌گیرد و به رغم توانش، کرنش در مقابل آنان را فراموش نمی‌کند. تربیت باید انسان‌های عاقل و با حیا پرورش دهد، تا سلسله مراتب تربیتی برای حفظ و حراست انسان‌ها باقی و دوام باشد.

برای حفظ جایگاه هر فرد در نظام تربیتی و آموزش آن به فرزندان، لازم است توصیه‌های زیر مورد توجه قرار گیرند:

۱- مرییان باید خود به وجود سلسله مراتب در عالم انسانی و عالم هستی، معتقد و برای این سلسله مراتب دارای یک نظام فکری معین باشند. مریبی باید باور داشته باشد که انسان‌ها همگی در یک سطح نیستند.
انسان‌ها از جهات گوناگون دارای مراتب مختلفی هستند. مهم‌ترین وجوهی که می‌تواند



یعنی: "عقل ستون و پشتوانه انسان است. عقل منشاء زیرکی، فهم، حفظ و علم است. به وسیله عقل انسان کامل شده و همین عقل است که راهنما و بصیرت بخش و کلید امور انسان می باشد. پس زمانی که عقل از روی بصیرت تأیید کند، انسان؛ عالم، حافظ، یادآور، زیرک و فهم خواهد شد و به این وسیله است که انسان چگونگی؛ چرایی و کجایی را درک می کند و نیز خیرخواه خود را از فریب دهنده خویش باز می شناسد. سپس هنگامی که این را شناخت، راه خود و نیز هدف و قدر و مقام خویش را باز می شناسد و به این ترتیب یگانگی را فقط و فقط برای خدا قرار داده، اقرار به اطاعت او می کند. پس اگر چنین کند گذشته را درک کرده، آینده را پیش بینی می کند و آنچه را که در آن قرار دارد می شناسد، و نیز خواهد دانست که او به چه منظوری در این دنیا به سر می برد و از کجا آمده و به کجا می رود و این ها تماماً از تأیید عقل است."

چنین عقلی موجب تفضل حقیقی انسان بر حیوان و انسان واجد عقل بر انسان فاقد آن می شود. انسان هر قدر عاقل تر است، از دیگران برتر است. چنین عقلی است که دین و حیا را نیز ملازم خود دارد.

در امالی شیخ صدوق، روایت زیر از مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است: هَبَّ جَبْرِئِيلُ عَلِيَّ اَدَمَ فَقَالَ يَا اَدَمُ، اِنِّي اَمْرٌ اَنْ اُخَيَّرَكَ وَاَحَدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرِ وَاَحَدَةً وَدَعِ اٰثْنَيْنِ. فَقَالَ اَدَمُ: وَمَا الثَّلَاثُ يَا جَبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: اَلْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ الدِّينُ. قَالَ اَدَمُ: فَاتَى قَدْ اَخْتَرْتُ الْعَقْلَ. فَقَالَ جَبْرِئِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ انْصَرَفَا وَ دَعَا، فَقَالَ: يَا جَبْرِئِيلُ اَنَا اَمْرٌ اَنْ نَكُونَ بَعْ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ.

یعنی: "جبرئیل (ع) بر حضرت آدم (ع) نازل

نمی گذارد. اطاعت از والدین، در غیر موضع حرام، واجب است؛ حتی اگر کافر باشند. تأکید قرآن کریم بر آن است که فرزند باید در مقابل والدین خویش چنان خاضع باشد که گویی پرنده ای بال و پر شکسته بر زمین افتاده است (و اَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرُّحْمَةِ). البته هر قدر که سن والدین بالاتر می رود، این مسؤلیت بیش تر و بیش تر می شود.

این تفضل، استثنا بردار نیست. والدین در هر حال بر فرزندان خویش برتری دارند و هیچ کدام از ملاک های فضل که بعد از این می آیند، نمی توانند این تفضل را کم رنگ کنند. بلکه باید گفت که وقتی ملاک های دیگر افزایش می یابند، لزوم حفظ این برتری را بیش از پیش می کنند.

ب) عقل: عقل ملاک دیگری برای تفضل انسان ها بر یکدیگر است. هر چه انسان عاقل تر باشد، از فضل بالاتری نسبت به دیگری برخوردار است. این عقل، عقلی است جامع و تنها به عقل فلسفی و اندیشه فلسفی ختم نمی شود. در توضیح و توصیف این عقل امام صادق علیه السلام می فرماید: دَعَامَةُ الْاِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ، وَ بِالْعَقْلِ يَكْمُلُ وَ هُوَ دَلِيلُهُ وَ مَبْصَرُهُ وَ مِفْتَاحُ امِيرِهِ. فَاِذَا كَانَ تَأْيِيدَ عَقْلِهِ مِنَ التَّوْبِ كَانَ عَالِمًا، حَافِظًا، ذَاكِرًا، فَطِنًا فَهْمًا. فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَلِمَ حَيْثُ وَ عَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَ مَنْ غَشَّهُ. فَاِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَ مَوْصُولَهُ وَ مَفْصُولَهُ وَ اَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَ الْاِثْرَاءَ بِالطَّاعَةِ فَاِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرَكًا لِمَافَاتٍ وَ وَاوَدًا عَلَيَّ مَا هُوَ اَت. يَعْرِفُ مَا هُوَ فِيهِ وَ لَايَ شَيْئِي هُوَ هُنَا وَ مِنْ اَيْنَ يَأْتِيهِ وَ اِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ وَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ. (اصول کافی، کتاب عقل و جهل).

ه) تعلیم: تعلیم علم نیز موجب فضل است. معلم پدر روحانی انسان است، همان‌گونه که پدر، پدر جسمانی اوست. کسی که در موضع معلمی قرار می‌گیرد، بر شاگردان خویش حقی پیدا می‌کند که آن حق موجب تفضل او بر آنان می‌شود.

گذشته از این فضائل، فضائل دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آن‌ها را فضائل ثانوی بر شمرد؛ مثل مال، قدرت بدنی، زیبایی، هنر، هوش، نسب و مهارت. فضائل ثانوی هر قدر افزایش پیدا کنند نمی‌توانند جای فضائل اولیه را بگیرند و قابل قیاس با آن‌ها نیستند، لکن در شرایط مساوی می‌توانند موجب فضل کسی بر دیگری باشند. دو انسان عاقل، به فرض تساوی در عقل، آن که زیباتر است، افضل است. ولی انسان جاهل نسبت به انسان عاقل، اگر اجمل انسان‌ها نیز باشد، أدنی است.

مری برای تربیت صحیح باید معتقد به چنین سلسله مراتبی از تفضل باشد و آن را به تربی خود منتقل سازد.

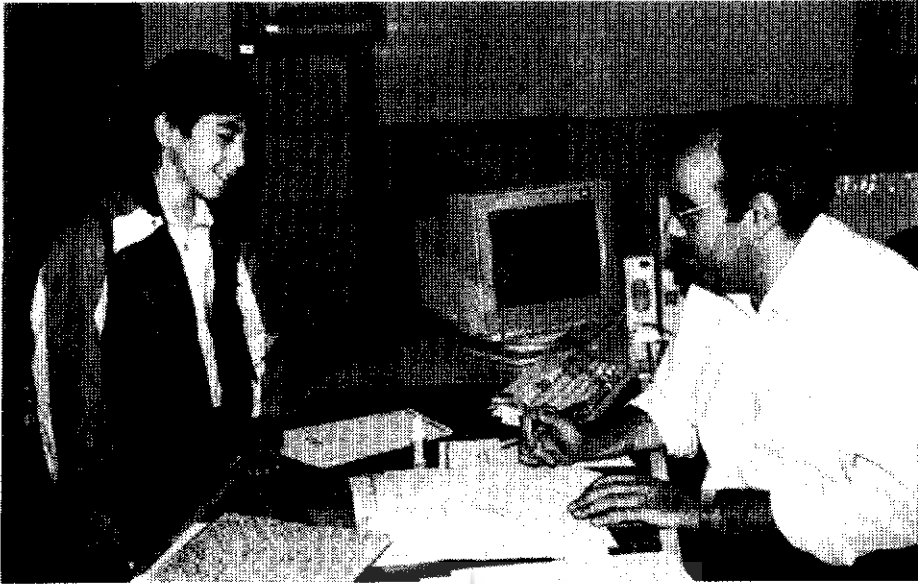
۲- مری باید در عمل به تربی بیاموزد که هر کس باید جایگاه خویش را بشناسد و آن را مراعات نماید. هنگامی که سفره غذا گسترده می‌شود، باید فرزند صبر کند تا والدین او غذا خوردن را آغاز کنند. باید به او بیاموزیم که پیش از والدین دست به سفره نبرد. باید به فرزند خود بیاموزیم که به پدر و مادر خود سلام کند. هر چند که پیشی گیرنده در سلام به خداوند و رسول او نزدیک‌تر است، لکن باید به کوچک‌تر بیاموزیم که به بزرگ‌تر سلام کند و در سلام کردن پیش دستی نماید. امام صادق (ع) فرمود: *يُسَلِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ*. یعنی کوچک‌تر باید به بزرگ‌تر سلام کند. باید به کودک بیاموزیم که از

شد و به او گفت: ای آدم (ع) من دستور دارم که سه چیز را به تو عرضه کنم. اکنون تو از آن سه چیز یکی را انتخاب و دوتای دیگر را رها کن. آدم (ع) به او گفت: آن سه چیز چیست؟ جبرئیل (ع) پاسخ داد: عقل، حیا و دین. آدم (ع) گفت: من عقل را انتخاب کردم. در این هنگام جبرئیل (ع) رو به حیا و دین کرده، گفت: شما باز گردید و او را واگذارید. آن دو به جبرئیل (ع) گفتند: یا جبرئیل (ع) ما مأموریم که با عقل باشیم، هر کجا که اوست.

در توصیف عقل گفتنی بسیار است، ولی همین قدر بس که بگویم تفضیل حاصل از عقل زیر بنای همه فضل‌های دیگر، حتی تقواست.

ج) تقوی: تقوا عبارت است از خویشتن‌داری از آنچه موجب سخط خداوند تبارک و تعالی است. تقوا در حقیقت اطاعت از عقل خداداد است در مقابل هوی یا میل کور. هوایی که خداوند در مورد آن فرمود: *"وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ"* (سوره قصص، آیه ۵۰): چه کسی گمراه‌تر از تبعیت کننده از میل خویش است؟ تبعیت از عقل که توصیفش گذشت، تقوا و تبعیت از هوی، ضلالت است. بنابر نص صریح قرآن، تقوا ملاک فضیلت در نزد خداوند است. انسان هر قدر خدا ترس‌تر باشد، افضل است و برتر.

د) علم: علم نیز فی نفسه موجب فضل است. آیه مبارکه *"هل يستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون"*، گواه روشن این برتری است. انسان هر قدر عالم‌تر باشد، از فضل بیش‌تری برخوردار است.



ناکرده اسباب تفاخر و خود بزرگ بینی را فراهم آوریم. بلکه باید در کمال تواضع و فروتنی چنین آدابی را به متربی بیاموزیم. در حقیقت این نکات، بخشی از تربیت و هدف اصلی آن رشد و تعالی خود متربی است. انسان‌ها باید بدانند که هر کس جایگاهی دارد و مبادا که همه را به یک چشم ببینیم و تفاوتی بین افرادی که در مراتب پایین تر قرار دارند و آنان که در مراتب بالاترند، قائل نباشیم! اگر چنین باشد، از رشد حقیقی غفلت خواهیم کرد و خدای ناکرده در مرتبه ضلالت و گمراهی، ابدالدهر گرفتار خواهیم شد.

همان کودکی در پشت سر پدر و مادر حرکت کند و هرگز بر آنان پیشی نگیرد. در مقابل آن‌ها پای خود را دراز نکند و کم ندهد. در انتخاب جا در خانه پدر و مادر مقدمند. بهترین اتاق خانه از آن پدر و مادر است و بهترین جا برای نشستن متعلق به آن‌هاست. برنامه فرزندان باید براساس برنامه والدین تنظیم شود و...

در مدرسه نیز باید از همان ابتدا به دانش آموز بیاموزیم که حرمت معلمان خود را حفظ کند. وقتی معلم وارد کلاس می شود، دانش آموزان باید برپا خیزند و تا او اجازه نداده است، نشینند. حرمت معلم خود را در غیاب و حضور او حفظ کنند. از تمسخر او و غیبت کردن پشت سر وی شدیداً اجتناب کنند و...

همه این‌ها نه برای آن است که حقوق و نیازمندی‌های فرزندان را نادیده گرفته، خدای

